

بررسی رابطه بین شاخص های سرمایه اجتماعی با سطح توسعه یافتگی

(مورد مطالعه: شهرستان های استان گلستان در سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰)

غلامرضا خوش فر^۱

شهربانو میرزاخانی^۲

چکیده

در جریان توسعه‌ی یک کشور در کنار انواع سرمایه اعم از طبیعی، انسانی و مادی، سرمایه‌ی اجتماعی هم به عنوان برون داد و هم به عنوان درون داد توسعه به شمار می‌آید. در اقتصاد کشورهای توسعه نیافته، سرمایه‌ی اجتماعی را حلقه مفقوده توسعه نام نهاده‌اند. سرمایه‌ی اجتماعی که نوعی تولید اجتماعی قابل مدیریت به شمار می‌آید، مقوله‌ای نسبتاً تازه و ناشناخته در کنش‌های اجتماعی محسوب می‌شود. از این رو به لحاظ تأثیری که سرمایه‌ی اجتماعی بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها دارد، این پژوهش سعی در سنجش سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کلان (شهرستان)، و شناسایی رابطه‌ی آن با سطح توسعه یافتگی شهرستان-های استان گلستان دارد. برای پشتیبانی از مفاهیم تحقیق از نظریه‌های صاحب‌نظرانی چون رابرت پاتنام، جیمز کلمن، پیر بوردیو و فوکویاما استفاده شده است. روش تحقیق اسنادی بوده و از داده‌های ثانویه برای تحلیل استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه‌ی بین دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی کلان و سطح توسعه یافتگی به لحاظ آماری معنادار نبوده است، لکن جهت رابطه گویای رابطه‌ی معکوس بین این دو متغیر می‌باشد؛ به طوری که هر چه از مناطق کمتر توسعه یافته به سوی مناطق بیشتر توسعه یافته می‌رویم، میزان سرمایه‌ی اجتماعی کاهش می‌یابد.

واژه های کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، سطح توسعه یافتگی، استان گلستان.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۰۲

^۱ - استادیار گروه علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه گلستان، (نویسنده مسئول)، khoshfar@gmail.com (۰۹۱۱۳۷۱۴۷۸۲)

^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا، shmirzakhani.c@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

در سال‌های اخیر، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به معنای این که مشارکت کردن در گروه و جامعه می‌تواند برای فرد منافع و کارکردهای مثبت داشته باشد، یکی از رایج‌ترین واژه‌هایی است که از علوم اجتماعی وارد ادبیات حوزه‌های دیگر علمی و حتی وارد زبان عمومی شده است. تأکید بر اهمیت اثرات مثبت روابط اجتماعی بر روی فرد و نگرانی و دغدغه نسبت به تنزل روابط اجتماعی معنادار در جوامع جدید، از مفاهیم و بحث‌های قدیمی جامعه‌شناسی می‌باشند و می‌توان گفت واژه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در این معنی، مفهوم نو و جدیدی نیست و به آرای پیشکسوتان جامعه‌شناسی مانند کارل مارکس^۳، امیل دورکیم^۴ و یا گنورک زمیل^۵ بر می‌گردد. به نظر امیل دورکیم، در شرایطی که انسجام اجتماعی کاهش یابد و سنت‌ها و هنجارهای جامعه فرد را در رفتار اجتماعی‌اش راهنمایی نکنند، فرد دچار بی‌هنجاری (آنومی) می‌شود و بسیاری از رفتارهای ناهنجار، از جمله خودکشی، افزایش خواهند یافت (ساروخانی و امانی، ۱۳۸۹: ۲). کارل مارکس در بحث معروف خود درباره‌ی «از خود بیگانگی» آثار منفی و مخرب تقسیم فزاینده‌ی کار بر روی انسان‌ها را مطرح نموده و گنورک زمیل ادعا می‌کرد که شهرنشینی با به وجود آوردن عقلانیت ابزاری و تحریک شدید عصبی، باعث پیدایش دلزدگی در روابط اجتماعی و همچنین بی‌تفاوتی انسان‌ها نسبت به یکدیگر می‌شود. امروزه در حوزه‌ی علوم اجتماعی بسیاری از مطالعات نظری و میدانی بر روی بحث توسعه متمرکز شده‌اند و در این راستا، نظریات و برنامه‌هایی نیز در خصوص رسیدن به توسعه در کشورهای جهان سوم ارائه داده‌اند. نکته‌ی کلیدی در این مباحث، این است که اساساً چه راهبردی می‌تواند این دسته از کشورها را به صورت بهینه و به بیان شفاف تر با امکانات موجود در کمترین زمان، به توسعه یافتگی نزدیک سازد و فاصله‌ی آنها را از کشورهای توسعه یافته، کم نماید. بدون توجه، به داورى‌های ارزشی در این خصوص، بالاخره رسیدن به توسعه در فرایند رشد کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، از جمله مسائلی است که یک محقق علوم اجتماعی باید برای آن پاسخی در خور و قابل دفاع داشته باشد. طی دو-سه دهه اخیر در سراسر جهان، مطرح شدن بحث سرمایه‌ی اجتماعی، باعث در گرفتن مجادلاتی در خصوص آن شده که یکی از این مباحث- که در کشور ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است- رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با توسعه می‌باشد (موسایی و صدقیانی، ۱۳۸۷: ۵۸). با توجه به مطالب فوق و ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه، هدف اصلی تحقیق حاضر، سنجش و اندازه‌گیری میزان سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط یا تأثیرگذاری آن بر شاخص‌های سطح توسعه یافتگی در میان شهروندان مراکز شهرستان‌های استان گلستان می‌باشد.

³ - K.marx

⁴ - E.durkheim

⁵ - G.zimel

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش سنجش و اندازه‌گیری میزان سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط یا تأثیرگذاری آن بر شاخص‌های سطح توسعه یافتگی در میان شهروندان مراکز شهرستان‌های استان گلستان می‌باشد. و اما اهداف فرعی تحقیق نیز عبارتند از:

- (۱) شناخت مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در سطح کلان
- (۲) رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و سطح توسعه یافتگی
- (۳) رتبه بندی شهرستان‌های استان گلستان بر حسب سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کلان
- (۴) رتبه بندی شهرستان‌های استان گلستان بر حسب سطح توسعه یافتگی

مبانی نظری

اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶، در مقاله‌ای توسط هانی فان از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما اولین بار در سال ۱۹۶۱، کتابی در آمریکا بوسیله‌ی شخصی به نام ژان ژاکوب نوشته شد که این اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی را به کار برد و منظورش این بود که در حاشیه‌نشین‌های شهر، ویژگی‌ها و خصلت‌هایی وجود دارند که آن‌ها می‌توانند به خوبی با همدیگر ارتباط برقرار کنند و گروه‌هایی را تشکیل دهند که خودشان مسائل و مشکلاتشان را حل کنند. در اصل، در آنجا منظور از سرمایه‌ی اجتماعی، نوعی همکاری و هم‌فکری خودجوش و از درون گروه‌های محروم حاشیه نشین بود (توسلی، ۱۳۸۴: ۲). گلن لوری^۶ اقتصاددان نیز همچون ایوان لایت جامعه‌شناس، اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل توسعه اقتصادی درون شهری به کار برد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰). سرمایه‌ی اجتماعی از جمله مفاهیم چند وجهی در علوم اجتماعی است که در اوایل قرن بیستم به صورت علمی و آکادمیک مطرح و از سال ۱۹۸۰ وارد متون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی شد و ابتدا توسط جاکوبز، بوردیو، پاسرون و لوری مطرح می‌شود، اما توسط کسانی چون کلمن، بارت، پانتام و پرتز بسط و گسترش داده می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸). در زمینه‌ی تعریف سرمایه‌ی اجتماعی در بین اندیشمندان، نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی ابراز شده است که در ذیل برخی از این تعریف‌ها ارائه خواهد گردید. در یک دسته‌بندی می‌توان تعاریف ارائه شده در باب سرمایه‌ی اجتماعی و مفهوم‌بندی آن را به دو گروه تفکیک نمود: اندیشمندان کلاسیک که بطور مشخصی واژه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را به کار نبرده‌اند؛ اما در محتوای متون ایشان بحث‌هایی راجع به آن مطرح کرده‌اند از این رو بایست بحث را از آنان استنباط نمود. اندیشمندان متأخر یا معاصر که واژه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را بطور صریح به کار برده و به مفهوم آن همت گماشته‌اند.

^۶-G.Lowry

از نخستین نوشته‌ها و بحث‌های ارائه شده می‌توان به کتاب «سرمایه» اثر کارل مارکس اشاره نمود. مارکس در کتاب «سرمایه» به مسئله همبستگی از روی اجبار و ضرورت که افراد در موقعیت‌های خاص مانند وضعیت مهاجران و پناهندگان در یک جامعه در آن جای می‌گیرند، اشاره می‌کند. این به آن معناست که شرایط منفی و بحرانی را به سوی استفاده از انرژی جمعی، توانایی بالقوه و جمعی، اتکا به یکدیگر و توسل به پشتیبانی یکدیگر و استفاده از پتانسیل‌های گروهی ترغیب می‌کند. این خاصیت، امروز نیز به نوعی در مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی مطرح است، یعنی همان استفاده از انرژی جمعی و اتکا به پشتیبانی افراد در مناسبات جمعی به نحوی که با نتایج مثبت یا منفی افراد را گردهم جمع می‌آورد. رویکرد دیگر در آرا جورج زیمل قابل‌بازشناسی است. ردپای این بحث زیمل را می‌توان در مفهوم او از «بده‌بستان» یا «داد و ستد» یافت. مبنای «بده‌بستان» هنجارها و قواعد رفتاری است که افراد برای سامان دادن به مناسبت بین فردی، مبادلات و تعاملات که برای بقای خود ضروری می‌دانند وضع می‌کنند. در این رویکرد مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به داد و ستدهایی که افراد در زندگی اجتماعی صورت می‌دهند تقلیل می‌یابد. رویکرد دیگر که اثرات عمیق و نسبتاً فراگیری بر جای گذاشته مباحثی است که با امیل دورکیم آغاز و پس از او با تالکوت پارسونز پیگیری می‌شود. این اندیشمندان مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را بر مبنای تعهداتی که مبنای آن‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است، تعریف نمودند. همه‌ی روابط تعاملات و همکاری‌ها به نظر ایشان، ریشه در هنجارهای ارزش جامعه دارند. چنین هنجارها و ارزش‌هایی افراد از هر گونه دغدغه‌ای به ایفای نقش‌ها و اعمال خویش ترغیب می‌کند. از جریانات فکری دیگری که به طرح مفهوم «سرمایه‌ی اجتماعی» پرداخته است می‌توان از ماکس وبر نام برد، مباحثی که وبر مطرح می‌کند مفاهیمی است که به اعتماد معطوف است. این سؤال که اعتماد در متن اجتماعی رسمی و غیر رسمی چگونه ساخته می‌شود و در یک متن اجتماعی چه ملازماتی برای افراد به همراه دارد، در مفهوم سازی سرمایه‌ی اجتماعی مؤثر بوده است. این اعتماد قراردادی است به سوی خطرپذیری و به نوعی سود متقابل را برای مشارکت‌کنندگان در بر دارد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۳۵). دسته‌ی دوم اندیشمندان معاصرند که بطور خاص به تعریف مفهوم سرمایه اجتماعی دست یازیده‌اند (همان، ۷۷).

نخستین اندیشمندی که در میان معاصر به این مهم اقدام نموده پیر بوردیو است. بوردیو سه نوع سرمایه را شناسایی نموده است: این اشکال سرمایه عبارتند از شکل اقتصادی (پول، مالکیت)، فرهنگی (شناخت، مهارت‌ها و کیفیت‌های تحصیلی) و اجتماعی (ارتباطات و عضویت گروهی) (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۱). این تعریف از سرمایه اجتماعی دلالت بر این دارد که سرمایه‌ی اجتماعی دو جزء سازنده دارد: تعداد شبکه‌های افراد و میزان سرمایه که دیگر بخش‌های شبکه داشته و افراد به این سرمایه دسترسی دارند (بوردیو، ۲۰۰۵: ۴۹۴). بوردیو در بحث از انواع سرمایه به سه نوع سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی

اجتماعی اشاره دارد و تقلیل انواع سرمایه به سرمایه‌ی اقتصادی را، که جهان مبادلات را به مبادله تجاری فرو می‌کاهد، اختراع تاریخ سرمایه‌داری می‌داند. از نظر او توزیع ساختار و کارکرد جهان اجتماعی غیر ممکن است مگر آنکه سرمایه نه فقط به همان شکلی که نظریه‌ی اقتصادی آن را به رسمیت می‌شناسد، بلکه در تمامی اشکال آن از نو شناخته و معرفی شوند (بورديو، ۱۹۹۷: ۱). بورديو خود آنها را چنین معرفی می‌کند: «سرمایه بسته به حوزه‌ی فعالیت آن، می‌تواند خود را به سه شکل بنیادی در آورد: ۱- به عنوان «سرمایه‌ی اقتصادی» که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و می‌توان آن را به شکل حقوق مالکیت نهادینه کرد. ۲- به عنوان «سرمایه‌ی فرهنگی» که بسته به شرایط معین قابل تبدیل به سرمایه‌ی اقتصادی است و می‌توان آن را به شکل کیفیت‌های آموزشی نهادینه کرد. ۳- به عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی» که از تعهدات (روابط) اجتماعی تشکیل شده و در شرایطی معین به سرمایه‌ی اقتصادی قابل تبدیل است و می‌توان آن را به شکل القاب اشرافی (در شکل اصالت و شهرت) نهادینه کرد (همان: ۳-۱). بورديو دو مورد سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی را اشکال جدید سرمایه می‌نامد. وی از این طریق می‌کوشد در نظریه‌ی عمومی باز تولید اجتماعی^۷ جوامع پیشرفته صنعتی، فرایندهایی را مشخص نماید که بر اساس آن نظم و محدودیت اجتماعی در جامعه توسط ساز و کارهای غیر مستقیم فرهنگی (خشونت نمادین)^۸ و نه کنترل اجتماعی مستقیم و قهرآمیز تولید می‌شود (همان، ۴). سرمایه‌ی اجتماعی از نظر بورديو بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است و خود او آن را چنین تعریف می‌کند: «سرمایه‌ی اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه- ای است که مربوط به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار از لحاظ کم و بیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است یا به عبارت دیگر عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضا از طریق حمایت یک سرمایه‌ی جنبی، صلاحیت فراهم می‌کند که آنان را مستحق «اعتبار» به معانی مختلف کلمه می‌کند» (بورديو، ۱۹۹۷: ۵۱). از دیگر اندیشمندانی که به تعریف سرمایه‌ی اجتماعی همت گماشته است می‌توان از جیمز کلنن یاد کرد. برخلاف بورديو کلنن تعریف مبسوطی از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه داده و از واژگان مختلفی برای تعریف سرمایه‌ی اجتماعی کمک می‌گیرد. برخی از اندیشمندان برآنند که نخستین برخورد عمیق با مفهوم سرمایه به وسیله‌ی کلنن و در کتاب بنیادهای نظریه اجتماعی شکل گرفته است (مارش، ۲۰۰۰: ۱۸۴). کلنن در این کتاب سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان «روابط میان اشخاص، گروه‌ها و اجتماعات که اعتماد را شکل داده و کنش‌ها را تسهیل می‌کند، معرفی می‌نماید» (مارش، ۲۰۰۰: ۱۸۴). کلنن بر این اساس جهت تعریف سرمایه‌ی اجتماعی از نقش کارکرد آن کمک گرفته و تعریفی کارکردی از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه می‌دهد نه ماهوی. به عبارتی کلنن سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان شی واحد قلمداد نکرده بلکه در توصیف، انواع چیزهای

⁷ - Social Reproduction

⁸ - Symbolic Violence

گونگونگی را مد نظر دارد که همه‌ی این انواع دو ویژگی مشترک دارند: «همه‌ی آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک شناخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). کلمن اظهار می‌دارد که سازمان‌های اجتماعی سرمایه‌ی اجتماعی را تولید می‌کنند که اکتساب هدف را که در صورت عدم حضور آن قابل حصول نبودن یا با هزینه بالایی قابل حصول بود، آسان می‌کند (مارش، ۲۰۰۰: ۱۸۴). از این منظر سرمایه‌ی اجتماعی همچنین می‌تواند برای غلبه بر مسائل مرتبط با کنش جمعی و تسهیل تولید کالایی جمعی مفید واقع گردد (کلمن، ۱۹۹۰: ۳۰۴). کلمن در حالی که بر استفاده از منابع ساختی اجتماعی در کنش‌هایشان برای بدست آوردن بهترین نتایج تأکید می‌ورزد ولی بر طبیعت جمعی سرمایه‌ی اجتماعی نیز اصرار دارد. او معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی ویژگی‌های معینی دارد که آن را از کالاهای خصوصی، تقسیم پذیر و انتقال پذیر، که در نظریه‌ی اقتصادی نئوکلاسیک بحث شده است متمایز می‌سازد. پس ویژگی‌های این کالای عمومی را چنین بر می‌شمرد: ۱- به آسانی مبادله نمی‌شود اگر چه این سرمایه منبعی است که ارزش استفاده دارد. ۲- سرمایه‌ی اجتماعی دارایی شخصی هیچ یک از افرادی که از آن «سود می‌برند نیست و این به واسطه‌ی صفت کیفی ساختار اجتماعی است که فرد در آن قرار گرفته است». ۳- نتیجه‌ی فرعی فعالیت‌های دیگر است و معمولاً شخص خاصی آن را به وجود نمی‌آورد زیرا انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در آن وجود ندارد یا ضعیف است، برخلاف سرمایه‌ی فیزیکی که به واسطه‌ی منافع شخصی‌اش انگیزه برای سرمایه‌گذاری کاهش نمی‌یابد. سرمایه‌ی اجتماعی با اینکه منبع مهمی برای افراد است و می‌تواند بر توانایی انجام کنش‌هایی که سرمایه‌ی اجتماعی را بوجود می‌آورند، توسط افرادی غیر از آنجا که بسیاری از منافع کنش‌هایی که سرمایه‌ی اجتماعی را بوجود می‌آورند، توسط افرادی غیر از فردی که آن را ایجاد کرده کسب می‌شود، به سود فرد نیست که آن را بوجود آورد. نتیجه این می‌شود که بیشتر شکل‌های سرمایه‌ی اجتماعی به شکل نتیجه فرعی فعالیت‌های دیگر ایجاد یا نابود می‌شود. اگر چه کلمن به عوامل ایجاد، حفظ و نابودی سرمایه‌ی اجتماعی اشاره دارد و معتقد است عواملی نظیر «فرو بستگی شبکه اجتماعی»، «ثبات ساختار اجتماعی»، و «ایدئولوژی» بر حفظ و نابودی سرمایه‌ی اجتماعی مؤثر هستند. ۴- نهایتاً اینکه سرمایه‌ی اجتماعی در صورت استفاده بیشتر بر خلاف اشکال دیگر سرمایه نه تنها مستهلک نمی‌شود بلکه افزایش می‌یابد (همان، ۳۰). تعاریف بوردیو و کلمن تا حدودی شبیه هم هستند. هم بوردیو و هم کلمن قائل به مشارکت و عضویت فرد در گروه بودند و ماحصل آن را به عنوان سرمایه تلقی می‌نمودند. بوردیو برای این مفهوم از واژه «چسبندگی» و کلمن از واژه «ساختار اجتماعی» کمک گرفتند (خوش‌فر، ۱۳۸۸: ۱۲). یکی دیگر از متخصصین اخیر سرمایه‌ی اجتماعی رابرت پاتنام است. با کار پاتنام و معرفی سرمایه‌ی اجتماعی در مطالعه دموکراسی، این مفهوم به عرصه‌ی سیاسی هم وارد گشت (مارش، ۲۰۰۰: ۱۸۴). آنچنان که پاتنام در کارش نتیجه گرفت، سرمایه‌ی اجتماعی هم اجرای سیاست و هم اجرای

اقتصاد را تقویت می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۶: ۱۷۶). در کار «شکل‌دهی دموکراسی» پاتنام تحلیل عمیقی از فرهنگ سیاسی، نهادها و دموکراسی را در ایتالیا هدایت کرد. تحلیل او به سه یافته منجر شد: ۱- نقش «اجتماعی مدنی» در دموکراسی؛ خصوصیات اجتماعی مدنی، مشارکت فعال در امور عمومی، زندگی نهادی قوی، روابط افقی نیرومند متقابل و مبتنی بر همکاری و....، ۲- اجتماعی شدن غیر رسمی یا الگوهای رفتار اجتماعی (دید و بازدیدهای دوستان)، ۳- سطح اعتماد بین اشخاص. به نظر پاتنام این عناصر در سرمایه‌ی اجتماعی تولید شده و توسعه می‌یابند. او اظهار می‌دارد که «سرمایه‌ی اجتماعی، مجموعه‌ای از خصایص و مفاهیم از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنرها و شبکه‌ها اشاره دارد که می‌تواند کارایی سازمان را به وسیله‌ی تسهیل کنش هماهنگ بهبود بخشد (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۸۵-۱۶۷)». از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (همان، ۱۳).

سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه

توسعه فرایندی پویا و چند بعدی است و امروزه اتفاق نظر کلی وجود دارد که سطح توسعه را نمی‌توان با شاخص ساده و واحدی نشان داد. پژوهش‌های زیادی به رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای مثبت در حوزه‌ها و سطوح گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی توجه کرده‌اند. برای نمونه تحقیقات نشان داده‌اند که با کارایی نهادی، افزایش سطح آموزش و رفاه کودکان، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد، کاهش مرگ و میر، بهبود وضع سلامت، احساس خوشبختی و اعتماد به حکومت و رابطه‌ی مستقیم دارد.

سرمایه‌ی اجتماعی، زیربنای توسعه اقتصادی: اگر به طور کلی بهبود شاخص‌های اقتصادی و درآمد سرانه را به همراه برابری بیشتر در یک جامعه، مبنای توسعه‌ی اقتصادی آن جامعه در نظر بگیریم، بی‌شک تحقیقات زیادی در راستای تبیین رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با این مقوله (توسعه اقتصادی) صورت گرفته است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵۲۵).

با رویکردی نظری و با توجه به تعاریف و شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی می‌توان به صورت مستدل از این امر دفاع کرد که بین سرمایه‌ی اجتماعی با توسعه‌ی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رابطه وجود دارد؛ زیرا به نوعی این رابطه، ارتباطی این‌همانی است. یعنی بخشی از توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی معادل است با توسعه در ابعاد مختلف و برعکس بخشی از توسعه در ابعاد مختلف برابر است با توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و شاخص‌های آن. مثلاً اگر در توسعه اجتماعی افزایش مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های توسعه باشد، می‌توانیم از این موضع دفاع کنیم که سرمایه‌ی اجتماعی نیز در جامعه افزایش می‌یابد. یا اگر توسعه‌ی سیاسی منوط به گسترش نهادهای مدنی باشد، می‌دانیم که این نهادها بخشی از ابزار توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی هستند (همان، ۵۲۸). این مقولات را هم تحقیقات تجربی اثبات کرده‌اند و هم از دل

تعاریف و رویکردهای نظری به صورت منطقی استنتاج می شود. در این میان شاید دفاع از رابطه‌ی سرمایه-ی اجتماعی با توسعه‌ی اقتصادی بیش از هر مورد دیگر نیاز به بحث و بررسی داشته باشد؛ امری که باید در پی یافتن پاسخ مناسب برای آن بود. تحقیقات تجربی متعددی در کشورهای گوناگون از آمریکای جنوبی گرفته تا آفریقای شمالی و کشورهای جنوب شرق آسیا و خاورمیانه که نشان می‌دهد، توسعه‌ی اقتصادی بالا، سیستم کارآمد اقتصادی، برابری و توزیع عادلانه درآمدها و درآمد سرانه بالا ارتباط معناداری با میزان بالای سرمایه‌ی اجتماعی داشته است (همان، ۵۲۸). آنچه بیش از همه مورد تأکید قرار گرفته، این است که بر اساس نظریات کلاسیک نوع برون‌گروھی سرمایه‌ی اجتماعی یا همان سرمایه‌ی اجتماعی متصل کننده^۹ در این راستا عامل مثبت است و نوع درون‌گروھی سرمایه‌ی اجتماعی یا همان سرمایه‌ی اجتماعی پیوند دهنده^{۱۰} تا حد زیادی به صورت منفی و بازدارنده عمل می‌کند (غفاری، ۱۳۸۵: ۱۵۹). از سرمایه‌ی اجتماعی، به عنوان زیربنای توسعه اقتصادی هر جامعه یاد می‌کنند. اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه اقتصادی در یک جامعه، تا حدی است که می‌توان آن را در شکوفایی اقتصاد تمام جوامع توسعه یافته به طور آشکاری مشاهده کرد. سرمایه‌ی اجتماعی را در اقتصاد هر کشور می‌توان در اعتمادپذیری و روحیه همکاری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی جامعه تعریف کرد. سرمایه‌ی اجتماعی ضمن شکل‌دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی و رفتاری هر جامعه، به رفتار افراد نیز شکل می‌دهد و کمک می‌کند تا سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌ی مادی و اقتصادی بتوانند با هم و در تعامل با یکدیگر، به رشد و پویایی دست یابند (همان، ۱۶۱). سرمایه‌ی اجتماعی با استفاده از همانندی‌ها و همسانی‌های افراد جامعه از جهات گوناگون، باعث ایجاد روحیه اعتماد متقابل می‌شود و در خدمت منافع اقتصادی قرار می‌گیرد و بستر و فضایی ایجاد می‌کند که ضمن کاهش هزینه‌های استفاده از نیروهای انسانی، تعامل بین آن‌ها نیز افزایش یابد. سرمایه‌ی اجتماعی با قواعد و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری خود در حوزه‌ی اقتصاد، افراد را مقید می‌کند تا در گروه-های مختلف اجتماعی با هم به تعامل، مبادله و تصمیم‌گیری بپردازند. می‌توان از واژه‌هایی مانند: اعتماد، امانتداری، نیکوکاری، خیر بودن، صداقت و توجه به ارزش‌های مذهبی در کسب و کار، به عنوان سرمایه‌های اجتماعی در حوزه‌ی اقتصاد یاد کرد که اگر در رفتارها و قواعد و مبادلات اقتصادی و هنجارهای آن حاکم شود، می‌تواند به شکوفایی و پیشرفت اقتصاد کمک نماید؛ زیرا وجود عاملی به نام اعتماد، موجب شکل‌گیری گروه‌هایی می‌شود که با اطمینان به یکدیگر، در حوزه‌ی اقتصاد جامعه فعالیت می‌کنند. اما بعد از

^۹ -Splicer social capital

^{۱۰} -Connectors social capital

^{۱۱} Civil society

اعتماد می‌توان از خلاقیت و نوآوری توسط نیروهای انسانی، به عنوان یک سرمایه‌ی مهم اجتماعی دیگر، یاد کرد. رشد و توسعه‌ی اقتصادی، نیازمند خلاقیت است و مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که بخش اعظمی از رشد و توسعه‌ی اقتصادی هر کشور، با استفاده از این ثروت نهفته، شکل گرفته است. رشد ابداعات و خلاقیت و نوآوری در بهره‌وری اقتصادی، نقش دارد و باعث می‌شود از سرمایه‌های دیگر کشور در حوزه-ی اقتصاد، به نحو مطلوب و مؤثرتری استفاده شود (همان، ۱۶۲).

سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی: سرمایه‌ی اجتماعی، ابزاری برای رسیدن به توسعه‌ی سیاسی است. در این مورد، نوع رابطه‌ای که بین مردم و دولت مردان وجود دارد، می‌تواند در شکل‌گیری مفهوم شهروندی و همچنین جامعه‌ی مدنی، نقش اساسی‌ای داشته باشد. در جامعه‌ی مدنی، نهادهای قانونمند به عنوان واسطه بین دولت و مردم، در تعدیل روابط بین آن‌ها ایفای نقش می‌کنند و این موضوع، محصول سرمایه‌ی اجتماعی است (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۱). سرمایه‌ی اجتماعی همچنین ضمن تعدیل روابط، به انسجام و همبستگی و حس اطمینان در جامعه کمک می‌کند و موجب مشارکت سیاسی نیروهای انسانی و حفظ روابط متقابل آنها با دولت می‌گردد. مهم‌ترین سرمایه‌ی اجتماعی در عرصه‌ی سیاسی، مشارکت مردم در صحنه‌های گوناگون سیاسی است. این سرمایه‌ی اجتماعی یعنی حمایت مردم از دولت در صحنه‌های گوناگون یکی از مصادیق بارز موفقیت در توسعه‌ی سیاسی هر کشور است. سه شاخص عمده که برآیندی از وجود سرمایه‌ی اجتماعی است، برای نمایان ساختن رابطه میان سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی مطرح می‌شود. (۱) جامعه مدنی یا به عبارت پاتنامی آن اجتماع مدنی^{۱۱}، (۲) تقویت فرهنگ دموکراتیک، (۳) تقویت شهروندی قدرتمند.

سرمایه‌ی اجتماعی و اجتماع مدنی: جامعه واژه‌ای است که در قرن هیجدهم میلادی رایج بود. بعد از «نظریه‌ی قرار داد اجتماعی» وارد اندیشه‌ی اجتماعی و سیاسی شد. دلالت بر وضعی از جامعه دارد که در آن آدمی از حالت طبیعی خارج شد و با دست کشیدن از آزادی‌های طبیعی و عمل آزادانه، به دولت و قانون گذاری گردن نهاد (همان، ۲۵). تعریفی که می‌توان از جامعه مدنی ارائه کرد بدین صورت خواهد بود: جامعه مدنی مجموعه‌ی تشکلهای صنفی، اجتماعی، سیاسی، قانونمند و مستقل گروه‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی است که از یک طرف تنظیم‌کننده خواست‌ها و دیدگاه‌های اعضای خود و از طرف دیگر منعکس‌کننده این خواست‌ها و دیدگاه‌ها به نظام سیاسی و جامعه جهت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی است. جامعه مدنی نیازمند عبور و گذر از سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی (مانند خانواده یا گروه‌های قومی و...) به سوی سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی است. در این زمینه چند عامل می‌تواند به عنوان عوامل تسهیل

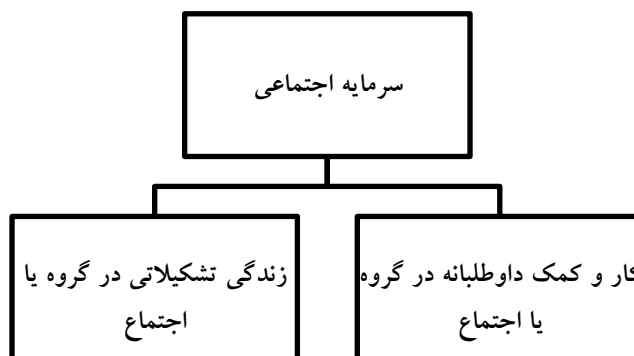
کننده این گذار عمل کنند: (۱) پیوندهای سست: کانون توجه تحلیل‌هایی که در مورد سرمایه‌ی اجتماعی ارائه شده‌اند، روابط درون‌گروهی است. مسئله‌ای که به همان اندازه مهم است روابط گروه‌ها با یکدیگر است. بسیاری از دل‌مشغولی‌های اندیشمندان سرمایه‌ی اجتماعی به وضعیت روابط اعضای یک گروه با هم مرتبط است این درحالیست که برای شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی که یکی از پیش‌نیازهای توسعه‌ی دموکراتیک است، روابط میان گروه‌ها مهمتر و اثرگذارتر است. از این رو این ایده که سرمایه‌ی اجتماعی ممکن است با تقویت روابط درون‌گروهی و هویت گروه، دشمنی میان گروه‌ها را نیز تشدید نماید، همواره می‌تواند نگرانی را در مورد اثرات نامناسب سرمایه‌ی اجتماعی برانگیزاند. (۲) هدف مشترک: یکی دیگر از راه‌های ارتباط میان گروه‌های درون جامعه‌ی مدنی و شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی با کارکردهای مناسب، ایجاد اهداف مشترک که مستلزم همکاری میان گروهی است، می‌باشد. (۳) شهروند قدرتمند: شهروند قدرتمند یکی از مفاهیمی است که جهت‌گذار به جامعه دموکراتیک در سال‌های اخیر در جوامع جهان سوم مطرح شده است. شهروند قدرتمند بعدها در طی گذار به دموکراسی یکی از عوامل اصلی تقویت دموکراسی‌ها و تثبیت دموکراسی حداکثری به شمار آمدند. این سرمایه به واسطه‌ی چهارصفتی که در اختیار دارد به احتمال بسیار موجبات شکل‌گیری شهروند قدرتمند را فراهم می‌آورد. این چهار صفت عبارتند از: آگاهی، اعتماد و همکاری متقابل، مشارکت اجتماعی و فرهنگ صلح و فرهنگ دموکراتیک. دموکراسی نمی‌تواند به مانند یک بسته یا چیز آماده و حاضر انتقال یابد زیرا که به طور ارگانیکی از فرهنگ سیاسی خاص، توسعه می‌یابد. بر این اساس چنین بر می‌آید که فرهنگ صلح یا فرهنگ دموکراسی از بناهای اساسی توسعه‌ی سیاسی و روند دموکراتیزاسیون بوده و در این راستا از اهمیت فراوانی برخوردارند. فرهنگ صلح و فرهنگ دموکراسی از این رو تا حدودی همسان هستند که به معنای روابط بین اقوام، ملت‌ها و حکومت نیز قابل تعمیم است. به بیان دیگر فرهنگ صلح چیزی جز تعمیم فرهنگ دموکراسی به عرصه‌ی ملی نمی‌باشد (همان، ۲۸-۲۶).

سرمایه‌ی اجتماعی در حوزه‌ی فرهنگی: سرمایه اجتماعی، زیربنای توسعه‌ی فرهنگی هر جامعه نیز محسوب می‌شود. بنابراین، برای توسعه‌ی فرهنگی هر جامعه باید سرمایه‌های اجتماعی این بخش، شناخته شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد. هر چه سرمایه‌های اجتماعی در بخش‌های فرهنگی جامعه تقویت شود، توسعه‌ی فرهنگی نیز سرعت بیشتری به خود می‌گیرد و از این رهگذر، رفتار افراد جامعه و نحوه‌ی تعاملات آن‌ها قابل پیش‌بینی تر می‌شود؛ چرا که افراد، در چارچوب قواعد خاص فرهنگی، رفتار می‌کنند و این رفتار حساب شده، منجر به گسترش اعتماد در جامعه می‌شود و با افزایش قابلیت اعتماد در بخش‌های مختلف فرهنگی جامعه، مناسبات اجتماعی و فرهنگی هم، روان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌گردد (رنانی، ۱۳۸۸: ۲۲). روشنفکران، دانشمندان، پژوهشگران، فناوران، مدیران، نویسندگان و عموم تولیدکنندگان علم در هر جامعه - ای، از سرمایه‌های مهم اجتماعی در حوزه‌ی فرهنگ، محسوب می‌شوند که باید مورد شناسایی و حمایت و

بهره برداری قرار گیرند تا آن‌ها نیز به شکوفایی کشور کمک کنند. اگر به سرمایه‌های اجتماعی در بخش مهم فرهنگی، توجه کافی معطوف نشود، این سرمایه‌ها، روندی رو به نزول را طی می‌کنند و با سقوط این سرمایه‌ها ارزش‌های اخلاقی و حتی دینی هم تنزل می‌یابند. بخش فرهنگی هر جامعه، از مهم‌ترین بخش‌های مولد در هر جامعه محسوب می‌شود. بنابراین، به سرمایه‌های اجتماعی این بخش نیز باید توجه کافی مبذول شود (همان، ۲۵). از دیگر سرمایه‌های اجتماعی مهم در بخش فرهنگی، جوانان مستعد هستند که با وجود شکل‌گیری شخصیت آن‌ها در فرهنگ حاکم بر جامعه، به توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه کمک می‌کنند. بنابراین، نحوه‌ی اجتماعی شدن این سرمایه‌های اجتماعی در فرهنگ حاکم جامعه، از مسائل مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوان از خلاقیت و ابتکارات آنان در بخش فرهنگ، اقتصاد و سیاست، استفاده نمود.

مدل تحلیلی

سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در سطح کلان



فرضیات پژوهش

- بین سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کلان و سطح توسعه یافتگی ارتباط وجود دارد.
- بین ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کلان و سطح توسعه یافتگی ارتباط وجود دارد.

پیشینه‌ی تجربی

پیشینه‌ی داخلی

موسوی و همکاران (۱۳۸۷) به مطالعه وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی جوانان کشور، می‌پردازند. این سنجش در سال ۱۳۸۶ توسط گروهی از جامعه‌شناسان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور انجام شده است. بر

این اساس ۴۹ درصد از جوانان معتقدند که وضعیت جامعه در آینده بهتر خواهد شد. ارتباط جوانان با نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی کم است. میزان سرمایه‌ی اجتماعی جوانان کشور به طور کلی، کم رو به متوسط است. میزان اعتماد بین فردی جوانان کم است و برخی از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی قدیم دچار فرسایش شده، اما سرمایه‌ی اجتماعی جدید هنوز شکل نگرفته است. قاسمی (۱۳۸۷) به باور وی فرجام توسعه‌ی یک بعدی، با تأکید بر بخش سخت‌افزاری، چیزی جز سقوط سرمایه‌ی اجتماعی انسانی یا به عبارت دیگر زیست جهان توسط سیستم نخواهد بود. به زعم وی آسیب مدیریت توسعه از آنجا نشأت می‌گیرد که هدایت‌گران برنامه‌های توسعه، سمت و سوی آن را براساس نگاه تکنوکراسی ترسیم کرده و الثفات چندانی به بعد نرم‌افزاری و انسانی آن نداشته‌اند. در نتیجه عقلانیت حاکم بر فرایند توسعه نوعی عقلانیت ابزاری را ایجاد نموده و علی‌رغم این که دولتمردان با شعارهای انسان‌گرایانه و دینی مدعی اداره کشورند، اما در عمل این تکنوکراسی است که حرف اول را در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه می‌زند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۳). حسینی و همکاران (۱۳۸۶) با انجام پژوهشی بر مبنای داده‌های ثانویه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان به رتبه‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی در مراکز ایران مبادرت نموده و نتیجه گرفته‌اند که با توجه به تفاوت‌های موجود، برای تعیین اهداف و سیاست‌هایی که در جهت افزایش سرمایه‌ی اجتماعی عمل می‌کند، باید مؤلفه‌ها و شاخص‌های مهم و تعیین‌کننده سرمایه‌ی اجتماعی آن بخش یا شهر را به صورت خاص مورد مطالعه قرار دهیم (حسینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۹). شارع‌پور (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «سنجش سرمایه‌ی اجتماعی در استان مازندران (مناطق شهری و روستایی)»، سرمایه‌ی اجتماعی را بر اساس رهیافتی ترکیبی مورد اندازه‌گیری قرار داد. هدف این پژوهش سنجش سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق شهری و روستایی استان مازندران بوده است. برای این منظور از مدلی استفاده نموده که در آن به چهار بعد: کیفیت شبکه، ساختار شبکه، مبادلات شبکه، و انواع شبکه‌ها توجه شده است. روش پژوهش پیمایشی، و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جامعه‌ی آماری تحقیق را کلیه‌ی افراد بالای ۲۰ سال ساکن در حوزه‌ی جغرافیایی استان مازندران تشکیل می‌دادند. برای محاسبه تعداد نمونه از نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شد. یافته‌های تحقیق در دو بخش: توصیفی و استنباطی ارائه شده و در فصل آخر چگونگی استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی در سیاست اجتماعی و نحوه‌ی مداخله‌ی دولت برای ایجاد و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی بررسی شده است (خوش‌فر، ۱۳۸۸: ۴۸).

پیشینه‌ی خارجی

کوهن و سایم^{۱۲} در یک بررسی در بخش آلامادا در کالیفرنیا دریافته‌اند که شبکه بزرگتر و فراوانی تماس، با کاهش مرگ و میر مردان و زنان در رده‌های گوناگون سنی همبستگی دارد. این پژوهشگران وضع تأهل، تماس‌های افراد با خانواده مانند عضویت در باشگاه‌ها را در نظر داشته‌اند. پژوهش هانسون و همکاران (به نقل از هافن، ۱۹۹۶) نیز به نتایج مشابه رسیده‌است، پژوهش آنان در مورد مردان سوئدی، زاده شده در سال ۱۹۱۴ نشان می‌دهد که حمایت خوب و مناسب و شبکه‌های اجتماعی، باعث می‌شود که مرگ و میر در هر حال کاهش یابد (خوش فر، ۱۳۸۸: ۵۸). رایس و لینگ^{۱۳} (۲۰۰۲) رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی، دموکراسی و پیشرفت اقتصادی را در ۱۱ کشور اروپایی و آمریکایی مورد بررسی قرار داده‌اند و معتقدند سرمایه‌ی اجتماعی اثرات انکار ناپذیری بر دموکراسی و پیشرفت اقتصادی دارد. افه و فوش^{۱۴} (۲۰۰۲) تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد اقتصادی و حاکمیت خوب در مناطق شرقی و غربی را بررسی نمودند. آنان براساس اطلاعات پیمایش عمومی کشور آلمان و مقایسه‌ی قسمت‌های شرقی و غربی این کشور به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌ی اجتماعی شرط لازم و کافی برای پیدایش یک اقتصاد نیرومند و حکومت خوب می‌باشد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰: ۴۱-۴۰). هی یرپ^{۱۵} (۲۰۰۳) در مقاله‌ی خود عنوان می‌کند، ژاپن و آلمان بر مبنای شواهد کمی، جز کشورهایی با اعتماد بالا طبقه بندی می‌شوند که توانایی بسط و گسترش بنگاه‌های بزرگ در این کشورها بیشتر وجود دارد. در این گونه جوامع اعتماد فقط به خاطر پیوند-های خانوادگی شکل نگرفته است. فوکویاما در مقابل این دسته از کشورها، فرانسه، ایتالیا، چین، کره و تایوان را به عنوان کشورهایی با اعتماد کم بر می‌شمارد که بنگاه‌های عظیم در این کشورها بر اساس پیوندهای خانوادگی و خاندانی شکل می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۴: ۷۸). کلمن^{۱۶} (۲۰۰۵) در مقاله‌ی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد سرمایه‌ی انسانی به گسترش مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و همچنین عوامل ایجاد کننده آن می‌پردازد. او با استفاده از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، اثر آن را در خانوار و اجتماع و همچنین شکل‌گیری سرمایه‌ی انسانی نشان می‌دهد. براساس مطالعه‌ی وی نژاد و موقعیت اجتماعی و همچنین تعداد اعضای خانوار بر سرمایه‌ی اجتماعی تأثیرگذار است (امیری رحمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۱۹).

روش تحقیق

¹² -Cohen & Syme

¹³ -Rice & Ling

¹⁴ -Efe & Fush

¹⁵ -Hiaerp

¹⁶ -Kolman-

با توجه به هدف تحقیق و سطح تحلیل داده‌ها، برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در سطح کلان از روش تحقیق اسنادی؛ به ویژه تحلیل ثانویه^{۱۷} داده‌ها استفاده شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق شهرستان‌های استان گلستان می‌باشد. شهرستان‌های استان گلستان با شرایط متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ی بسیار مناسبی را برای آزمون فرضیه‌ها و نظریه‌هایی مانند سرمایه‌ی اجتماعی فراهم می‌نمایند. در واقع می‌توان در سطح خرد و کلان به سنجش و آزمون متغیرها و مفاهیم اجتماعی پرداخت. اما سطح تحلیل در این تحقیق کلان و واحد تحلیل شهرستان (کلیه مراکز شهرستان‌های ۱۴ گانه استان گلستان) است. پس از اینکه مقبولیت سازه‌ها مشخص گردید، میزان سرمایه‌ی اجتماعی و سطح توسعه یافتگی برای هر یک از شهرستان‌ها محاسبه شده است و فرضیات مورد سنجش قرار می‌گیرند. برای پردازش داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS و برای توصیف و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی به نحو مقتضی استفاده می‌گردد. برای توصیف و تفسیر داده‌ها از آمار توصیفی شامل شاخص‌های آماری پراکندگی نظیر واریانس و انحراف معیار و هم چنین شاخص‌های تمایل به مرکز مانند، میانگین، میانه، نما و توزیع‌های فراوانی مطلق، نسبی، خالص و تراکمی استفاده می‌شود. برای مقایسه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن بین گروه‌های مختلف اجتماعی از آزمون‌های پارامتری مقتضی و برای سنجش اثرات مستقیم و غیر مستقیم سرمایه‌ی اجتماعی بر سطح توسعه یافتگی از تکنیک تحلیل مسیر استفاده می‌شود.

تعریف نظری سرمایه اجتماعی: از نظر رابرت پاتنام، منظور از سرمایه‌ی اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌توانند با ایجاد و تسهیل هماهنگی، کارایی جامعه را بهبود ببخشند. پاتنام با کمی تغییر در سال ۱۹۹۶ سرمایه‌ی اجتماعی را اینگونه تعریف نمود: منظور من از سرمایه‌ی اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت-کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند. پاتنام از اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی برای اشاره به پیوندهای بین افراد و شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتمادی که در نتیجه آن‌ها به وجود می‌آید، استفاده کرد. بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی از نظر پاتنام دارای دو بعد اصلی است که عبارتند از: شبکه‌ها و هنجارها، که اعتماد و عمل متقابل هر دو از جمله هنجارهایی هستند که در نتیجه شبکه‌های اجتماعی به وجود می‌آیند (خوش فر، ۱۳۸۸: ۱۲۷). بر این اساس سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کلان عبارت است از: معرف‌های زندگی تشکیلاتی در گروه یا اجتماع، مشارکت در کار عمومی و مقدار امور داوطلبانه در گروه یا اجتماع که در مجموع به ایجاد عدالت، همبستگی و تقویت هویت ملی کمک می‌کند.

¹⁷ - Secondary Analysis

تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی در سطح کلان: اطلاعات درباره شبکه‌ها مبتنی بر نهادها و گروه‌ها از طریق سؤالاتی درباره عضویت فرد یا مشارکت وی در گروه‌های تشکلی یافته رسمی از یک نوع یا انواع آنها جمع‌آوری می‌شود. از آنجا که تولید داده‌های اجتماعی در کشورهای کمتر توسعه یافته بسیار ناچیز است و با اهداف خاصی صورت می‌گیرد که قابلیت استفاده برای پژوهشگران و محققان را ندارد، بدیهی است که در زمینه استفاده از داده‌های ثانویه با محدودیت و مشکلات فراوان روبرو هستیم. با این وجود جستجو در نهادهای اجتماعی اطلاعات ذیقیمی در اختیار قرار می‌دهد که از آنها می‌توان در تحقیقات علمی استفاده نمود. حال در این تحقیق با هدف تهیه چارچوبی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در سطح کلان، با مراجعه به سازمان‌های مختلفی مانند استانداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی، جمعیت هلال احمر، سازمان تبلیغات اسلامی و ... آمارهای موجود آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در هر یک از سازمان‌های فوق هدف اصلی جستجوی داده‌ها و اطلاعاتی بود که نشان‌دهنده یکی از ابعاد و یا مؤلفه‌هایی از ابعاد سرمایه‌های اجتماعی باشد. برای ارتباط بیشتر این داده‌ها و اطلاعات با مفهوم سرمایه‌های اجتماعی، شاخص‌های مورد استفاده پاتنام مورد توجه قرار گرفت.

جدول شماره ۱: تعریف عملیاتی سرمایه‌های اجتماعی در سطح کلان

میانگین نمرات از ۱۰	گویه	مؤلفه
۶/۹۰۹۱	تعداد باشگاه‌های ورزشی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	زندگی تشکیلاتی در گروه یا اجتماع
۶/۳۰۳۰	تعداد ورزشکاران در هر ۱۰۰ نفر جمعیت	
۷/۹۰۹۱	تعداد هیئت‌های مذهبی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۸/۱۸۱۸	تعداد مؤسسات خیریه فعال در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۷/۷۲۷۳	تعداد تشکلهای مردمی مرتبط با فعالیت‌های معاونت پیشگیری بهزیستی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۷/۴۸۴۸	تعداد شرکت‌های تعاونی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۵/۷۵۷۶	تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۷/۵۷۵۸	تعداد اعضای سازمان جوانان جمعیت هلال احمر در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	کار و کمک داوطلبانه در گروه یا اجتماع
۷/۲۷۲۷	تعداد امدادگران جمعیت هلال احمر در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۷/۱۸۱۸	تعداد داوطلبان جمعیت هلال احمر در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۷/۶۹۷۰	تعداد افراد اهداکننده خون در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۷/۵۷۵۸	مبلغ سرانه کمک‌های نقدی مردم بومی به مجمع خیرین مدرسه‌ساز	
۷/۰۹۰۹	تعداد ایتم‌مورد حمایت در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۷/۴۵۴۵	تعداد حامیان حقیقی ایتم‌مورد حمایت در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	
۷/۰۶۰۶	مبلغ سرانه کمک‌های مالی وصولی از حامیان ایتم (هزار ریال)	
۷/۰۰۰۰	مبلغ سرانه حمایت مالی وصولی از کمک‌های مردمی (هزار ریال)	
۶/۹۰۹۱	مبلغ سرانه کمک‌های مالی وصولی از صندوق‌های صدقات (هزار ریال)	

در تعریف نظری و عملیاتی مفهوم توسعه یافتگی نیز می‌توان گفت: منظور از سطح توسعه یافتگی، سطوح برخورداری از مواهب توسعه است. ادبیات تجربی موضوع نشان می‌دهد که بین سرمایه‌ی اجتماعی یک کشور یا شهرستان‌های یک استان و مناطق یک استان رابطه وجود دارد (پاتنام، ۲۰۰۰). برای تعیین سطح توسعه یافتگی و رتبه‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روش‌های متفاوتی وجود دارد. در این پژوهش برای تعیین سطح توسعه یافتگی نقاط مراکز چهارده‌گانه شهرستان‌های استان گلستان از ترکیب شاخص‌های مختلف بعد از استاندارد نمودن نمرات استفاده می‌شود. با استفاده از این تکنیک، شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابلیت ترکیب می‌یابند. توضیح مختصر این تکنیک به شرح زیر است: از آنجا که داده‌های به دست آمده در مورد مفاهیم اخیر از نظر آماری داده‌های پرت محسوب می‌شوند و واحد شمارش آن‌ها نیز متفاوت است، لذا برای احراز قابلیت استفاده در تحلیل ابتدا آن‌ها را استاندارد نموده و سپس به ترکیب و شاخص‌سازی و تحلیل آن‌ها می‌پردازیم. در این روش برای از بین بردن واحدهای مختلف سنجش و تبدیل داده‌ها به صفات قابل ترکیب، میانگین آن‌ها برابر با صفر و انحراف معیار آنها برابر با یک در نظر گرفته می‌شود (به نقل از خوش فر، ۱۳۸۸، ۱۴۲). پس از ترکیب ۱۰ مقوله، یک شاخص کلی ترکیبی از درجه‌ی توسعه یافتگی حاصل می‌شود که براساس آن می‌توان مراکز شهرستان‌ها را براساس سطح توسعه یافتگی رتبه بندی نمود. مؤلفه‌ها و معرف‌های سنجش درجه توسعه یافتگی به شرح زیر است: ۱- تراکم زیستی به نفر(در هکتار)، ۲- نرخ اشتغال (درصد)، ۳- میزان سرمایه گذاری (میلیون ریال)، ۴- میزان شهرنشینی (درصد)، ۵- میزان باسوادی (درصد)، ۶- نسبت جمعیت فعال ده سال و بالاتر (درصد)، ۷- تراکم حسابی جمعیت (در کیلومتر مربع)، ۸- سرانه مصرف برق (کیلو وات)، ۹- ضریب نفوذ تلفن (درصد)، ۱۰- مهاجرت پذیری (درصد).

اعتبار تحقیق حاضر از نوع اعتبار صوری^{۱۸} می‌باشد. اعتبار صوری، شناسایی میزان اعتبار شاخص‌ها و معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران است. هنگامی این اعتبار برقرار است که فردی آزمودنی را بررسی کند و نتیجه بگیرد که آزمون صفت مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند؛ فردی که این بررسی را انجام می‌دهد می‌تواند یک پاسخگو یا یک متخصص باشد. اعتبار صوری به ارزیابی ذهنی یا بین ذهنی محقق یا محققان مبتنی است. نمونه‌ی اعتبار صوری در طیف تورستون دیده می‌شود آنجا که به اجماع یا اتفاق نظر افراد ذیصلاح و متخصص مبتنی است (بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۲۳۷). برای تعیین میزان پایایی، از ضریب آلفا کرونباخ استفاده می‌شود. ضریب آلفا کرونباخ برای دو بعد مفهوم سرمایه اجتماعی در سطح کلان به شرح جدول زیر حاصل شده است.

¹⁸ -Face validity

جدول شماره ۲: مقدار آلفا کرونباخ سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن

ردیف	بعد	تعداد مقولات	مقدار آلفا کرونباخ
۱	زندگی تشکیلاتی در گروه یا سازمان اجتماعی	۷	۰/۸۳۵
۲	کار و کمک داوطلبانه در اجتماع	۱۰	۰/۸۶۵
	میانگین	-	۰/۸۵

یافته های توصیفی

استان گلستان با مساحتی بالغ بر ۲۲ هزار کیلومتر مربع (۱/۳ درصد از کل مساحت کشور) در جنوب شرقی دریای خزر واقع شده است که از شمال به جمهوری ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از شرق به استان خراسان و از غرب به استان مازندران محدود است. این استان با داشتن حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز با کشور ترکمنستان و حدود ۱۰۰ کیلومتر ساحل دریا، یکی از استراتژیک ترین استان‌های کشور محسوب می‌شود (www.golestanp.ir). این استان دارای قومیت های مختلف اعم از فارس، ترک، کرد، ترکمن، بلوچ، قزاق، سیستانی و غیره است. افزون بر ۲۰ قوم در این استان زندگی می کنند. در یک تقسیم بندی کلی مردم ساکن در این استان به سه گروه عمده فارس، ترکمن و مهاجر تقسیم می شوند. جمعیت استان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ (۱۷۷۷۰۱۴) نفر بوده که (۹۰۶۱۸۲) نفر آن در مناطق شهری و (۸۷۰۰۶۸) نفر در مناطق روستایی ساکن هستند. جمعیت مذکور در ۱۴ شهرستان، ۲۵ شهر، ۲۷ بخش و ۶۰ دهستان و ۱۰۰۸ آبادی مسکونی قرار دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳).

جدول شماره ۳: (۳) مقیاس های زندگی تشکیلاتی در گروه یا اجتماع در استان گلستان به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۹۰

ردیف	شهرستان	۱۰۰ نفر در شهرت تشکیلاتی	۱۰۰ نفر در شهرت اجتماعی	۱۰۰ نفر در شهرت اقتصادی	۱۰۰ نفر در شهرت فرهنگی	۱۰۰ نفر در شهرت سیاسی	۱۰۰ نفر در شهرت اجتماعی	۱۰۰ نفر در شهرت اقتصادی	۱۰۰ نفر در شهرت فرهنگی	۱۰۰ نفر در شهرت سیاسی
۱	بندرگز	۹/۷۹	۰/۱۷	۷/۴۴	۸/۷۴	۲/۵۰	۰/۵۳	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۱۴
۲	کردکوی	۲/۵۰	۰/۱۲	۴/۲۸	۲/۵۰	۳/۱۰	۰/۴۷	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۶
۳	بندر ترکمن	۲/۴۹	۰/۱۶	۱/۸۶	۲/۴۶	۶/۰۹	۰/۵۸	۰/۱۴	۰/۱۶	۰/۱۴
۴	گمیشان	۶/۶۰	۰/۰۶	۹/۳۱	۹/۱۴	۷/۷۲	۹/۳۱	۰/۳۵	۰/۱۶	۰/۱۴
۵	گرگان	۵/۸۲	۰/۲۱	۵/۸۰	۲/۷۸	۴/۸۷	۰/۳۳	۰/۴۹	۰/۱۶	۰/۱۴
۶	آق قلا	۳/۴۸	۰/۰۴	۴/۵۱	۸/۱۲	۳/۸۵	۰/۲۲	۰/۳۴	۰/۱۶	۰/۱۴
۷	علی آباد	۷/۳۰	۰/۰۷	۳/۳۴	۳/۱۵	۵/۴۹	۰/۷۴	۰/۰۸	۰/۱۶	۰/۱۴
۸	رامیان	۵/۵۴	۰/۰۴	۲/۰۷	۲/۴۸	۴/۴۹	۰/۲۲	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۱۴
۹	آزادشهر	۱/۶۹	۰/۰۷	۳/۴۰	۲/۳۹	۷/۳۳	۰/۵۵	۰/۳۹	۰/۱۶	۰/۱۴
۱۰	گنبد	۹/۵۳	۰/۰۹	۹/۲۱	۴/۸۸	۴/۴۴	۰/۲۷	۰/۶۵	۰/۱۶	۰/۱۴

۱۱	مینودشت	۶/۳۶	۰/۰۸	۴/۶۰	۵/۴۴	۲/۷۷	۰/۴۷	۰/۱۶
۱۲	گالیکش	۱/۰۲	۰/۰۹	۱/۴۸	۵/۳۲	۸/۴۷	۴/۳۰	۰/۴۵
۱۳	کلاله	۴/۸۴	۰/۰۴	۴/۵۲	۰/۹۰	۰/۸۷	۰/۲۲	۰/۱۲
۱۴	مراوه	۸/۳۴	۰/۰۲	۸/۶۹	۲/۶۱	۲/۰۵	۰/۰۸	۰/۴۶
۱۵	استان	۱/۵۷	۰/۰۹	۲۴/۳۱	۳/۱۰	۵/۰۵	۰/۳۱	۰/۹۶

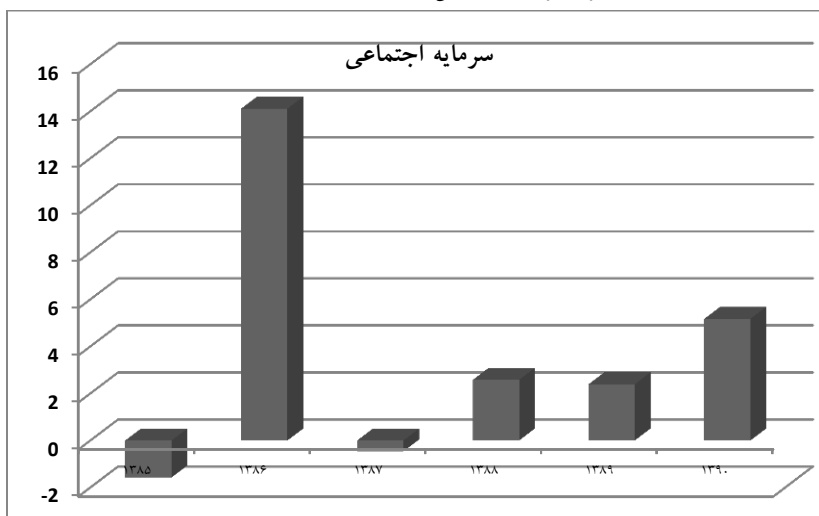
چنانچه ملاحظه می‌شود، جدول فوق آیت‌های هفتگانه‌ی مقیاس زندگی تشکیلاتی در گروه و اجتماع سرمایه‌ی اجتماعی را برای تمامی ۱۴ شهرستان استان گلستان نمایش می‌دهد. بر این اساس با توجه به در نظر گرفتن نسبت جمعیت در مورد تمامی آیت‌ها به طور مثال: آیت‌ها اول که باشگاه‌های ورزشی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت است نشان می‌دهد که، شهرستان‌های (بندرگز، گنبد، مراوه تپه) و (گالیکش، آزادشهر، بندر ترکمن) به ترتیب بیشترین و کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره‌ی (۴): مقیاس‌های کار و کمک داوطلبانه در گروه یا اجتماع در استان گلستان به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۹۰

شهرستان	جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۹۰
بندرگز	۰/۰۷۶	۱/۱۷	۰/۰۳	۰/۱۱	۱/۱۲	۰/۰۲	۰/۰۳	۱۴/۶۳	۱۵/۰۰	۱۲
کردکوی	۰/۱۶	۳/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۷	۶/۶۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۷/۰۵	۲/۳۲	۱۲
بندر ترکمن	۰/۰۷۴	۴/۵۷	۰/۰۳	۰/۰۴	۶/۶۴	۰/۵۶	۰/۰۲	۸/۴۸	۱/۲۴	۷
گمیشان	۳/۴۴	۴/۶۲	۱/۸۱	۰/۰۲	۳/۹۶	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۶۶	۷/۱۵	۶
گرگان	۰/۰۳۶	۹/۱۱	۰/۰۱	۰/۲۰	۸/۸۲	۰/۰۱	۰/۰۱	۱/۲۵	۰/۷۵	۳
آق قلا	۰/۰۳۴	۹/۳۰	۵/۶۱	۰/۰۱	۲/۲۳	۰/۰۲	۸/۱۱	۳/۴۸	۰/۷۹	۰
علی‌آباد	۰/۰۲۹	۷/۶۰	۸/۲۰	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱	۸/۱۰	۰/۲۲	۱۲
رامیان	۰/۰۴۹	۱/۱۰	۱/۸۴	۰/۰۱	۵/۵۴	۰/۰۲	۰/۰۱	۲/۲۴	۱/۱۶	۶
آزادشهر	۰/۱۱	۲/۲۹	۴/۱۳	۰/۰۵	۸/۴۵	۰/۰۲	۰/۰۲	۱۴/۴۵	۱/۴۷	۱۳
گنبد	۰/۰۲۹	۶/۳۹	۳/۸۲	۰/۰۳	۴/۸۲	۰/۰۱	۰/۰۱	۳/۲۳	۰/۷۷	۰
مینودشت	۰/۰۶۳	۳/۸۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۵/۹۳	۰/۰۳	۰/۰۲	۲۰/۰۸	۰/۲۶	۱۸/۹۸
گالیکش	۰/۰۴۲	۳/۳۲	۱/۸۳	۰/۰۲	۲/۵۵	۰/۰۱	۱/۷۶	۰/۵۱	۱۳/۰۵	۲/۰۶
کلاله	۰/۰۵۲	۵/۲۱	۵/۱۰	۰/۰۱	۹/۸۱	۰/۰۳	۰/۰۱	۸/۱۹	۰/۱۴	۱/۴۲
مراوه	۰/۵۴۷	۳/۱۳	۱/۳۷	۰/۰۱	۱/۶۶	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۴۱	۶/۱۵	۲/۸۳
استان	۰/۳۷۰	۷/۵۵	۹/۶۳	۰/۰۵۸۲	۴/۶۱	۰/۰۳۵	۰/۰۱۴	۵/۷۶	۲/۸۰	۵/۷۵

همانطور که مشاهده می‌شود، جدول بالا مربوط به آیتم های دهگانه‌ی مقیاس کار و کمک داوطلبانه در گروه و اجتماع سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشد. بر این اساس با توجه به نسبت جمعیتی هر شهرستان درصد هر یک از آیتم‌های مورد نظر به دست آمده است. به عنوان مثال: آخرین آیتم که سرانه وصولی از صندوق صدقات می‌باشد، نشان می‌دهد که شهرستان‌های (مینودشت، کردکوی، آزادشهر) و (گنبد، آق قلا، کلالة) به ترتیب بیشترین و کمترین درصد را در این مورد به خود اختصاص داده‌اند.

نمودار (۱): میزان سرمایه‌ی اجتماعی استان گلستان در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰



جدول شماره‌ی (۵): اندازه‌های مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی استان به تفکیک شهرستان ۱۳۹۰

ردیف	شهرستان	جمعیت ۱۳۹۰	تراکم زایش	نرخ اشتغال	میزان سرمایه‌گذاری	درصد شهرنشینی	میزان باسوادلی	جمعیت فعال ۱۰ سال و بالاتر	تراکم حساسی	مهاجرت پذیری	میزان مرخصه برق	ضریب نفوذ تلفن
۱	بندرگز	۲۰۴۶۶	۳۰/۰	۷۱/۱	۸۳/۱	۶۰/۰	۲۱/۱	۷۱/۱	۸۲/۱	۱۰/۰	۳۸/۰	۳۶/۰
۲	کردکوی	۲۱۹۹۶	۲۸/۱	۶۱/۱	۵۱/۳	۱۰۰/۰	۷۸/۱	۷۱/۱	۸۰/۰	۳۰/۰	۶۱/۱	-
۳	بندرترکمه ن	۲۴۰۶۷	۲۶/۱	۵۳/۱	۶۸/۳	۳۰/۳	۶۲/۱	۶۱/۱	۷۵/۱	۲۰/۰	۱۱/۱	۹/۰
۴	گمیشان	۳۰۴۶۰	۲۵/۵	۲۲/۱	-	۶۸/۱	۷۱/۱	۷۱/۱	۵۴/۱	۱۰/۰	۱۳/۲	۷/۱
۵	گرگان	۱۱۸۲۷	۲۰/۰	۷۳/۱	۶۸/۱	۳۰/۰	۵۰/۱	۳۰/۲	۳۲/۱	۳۰/۰	۸/۰	۳۰/۲

۳۲	۸۲/	۲/۸۳	۰/۰۲	۵۶/	۵۱/	۶۱/	۰/۰۹	-	۱۸/	۱/۵۹	۸۶-۱۹	آق قلا	۶
۳۱	۰/۰۴	۱/۵۸	۰/۰۲	۹۶/	۱۸/	۲۵/	۴۶/	۱/۴۷	۱۹/	۲/۳۶	۶۸۴-۰۵	علی آباد	۷
۴۰	۳۷/	۲/۲۵	۰/۰۱	۲۴/	۱۴/	۲۳/	۴۸/	۱/۹۹	۱۴/	۲/۶۹	۵۴-۶۲	رامیان	۸
۳۹	۲۵/	۱/۵	۰/۰۲	۲/۰۲	۱۵/	۵۷/	۱۹/	۸/۲۶	۹۵/	۲/۲۵	۴۱۳۹۱	آزادشهر	۹
۴۲	۶۰/	۱/۸۷	۰/۰۲	۱۴/	۱۴/	۶۸/	۰/۰۲	۸/۵۲	۸۶/	۱/۱۱	۱۷۸۲۱	گنبد	۱۰
۴۰	۴۷/	۲/۱۴	۰/۰۱	۹۱/	۱۵/	۳۱/	۱۷/	۰/۳۸	۲۶/۱	۱/۳۹	۴۷۱۶۵	مینودشت	۱۱
۱۹	۸۳/	۴/۷۱	۰/۰۱	۱۴/	۹۵/	۹۱/	۱۶/	-	۲۱/	۱/۷۴	۳۹۱۴۴	گالیکش	۱۲
۳۲	۸۳/	۲/۸۸	۰/۰۱	۰/۰۹	۸۲/	۵۸/	۹۷/	۹/۵۴	۲۵/	۰/۹۹	۸۲۵۲۲	کلانه	۱۳
۱۴	۵۶/	۴/۳۹	۱۰/۰	۹۲/	۳۶/۱	۱۶/	۷۵/	-	۱۵/	۳/۴۱	۴۷۹۱۵	مراوه	۱۴
۴۴	۶۹/	۱/۵۸	۱/۷	۵۷/	۱۴/	۰/۰۶	۱۰۰	۸۳/	۹۲/۹	۱/۶۴	۸۷۰۰۶	استان	۱۵

جدول فوق، مقیاس‌های دهگانه‌ی شاخص توسعه یافتگی را نمایش می‌دهد که با در نظر گرفتن نسبت جمعیتی هریک از شهرستان‌ها مقادیر فوق به دست آمده اند. به طور مثال: آیتم دوم (نرخ اشتغال) در شهرستان‌های (گنبد، کردکوی، بندرگز) بیشترین میزان و همچنین در شهرستان‌های (آق قلا، مینودشت، گالیکش) کمترین میزان را نمایش می‌دهد.

رتبه بندی شهرستان‌ها بر حسب سرمایه‌ی اجتماعی و سطح توسعه یافتگی

سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کلان از دو بعد، زندگی تشکیلاتی در گروه یا اجتماع و کار و کمک داوطلبانه در گروه یا اجتماع تشکیل شده است. که بر اساس میانگین مقدار سرمایه اجتماعی کل برای هر یک از شهرستان‌ها محاسبه و برحسب بالاترین مقدار و پائین‌ترین مقدار، مراکز شهرستان‌های استان گلستان رتبه بندی شده‌اند. علاوه بر این، به منظور سنجش سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان گلستان به عنوان متغیر مستقل اثرگذار در نحوه توزیع و تبیین سرمایه‌ی اجتماعی، مؤلفه‌های سطح توسعه یافتگی برای تحلیل داده‌ها در سطح کلان استفاده شده‌اند. بر این اساس میانگین مقدار سطح توسعه یافتگی برای هر یک از شهرستان‌ها محاسبه شده و بر اساس بالاترین مقدار و پائین‌ترین مقدار، مراکز شهرستان‌های استان گلستان رتبه بندی شده‌اند.

جدول شماره‌ی (۶): رتبه بندی سرمایه‌ی اجتماعی و سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان گلستان ۱۳۹۰

شهرستان‌ها	سرمایه اجتماعی	رتبه	شهرستان‌ها	سطح توسعه یافتگی	رتبه
بندرگز	۱۴/۷۰۵۵	۱	بندرگز	۴/۴۰۷۴	۱

۲	۳/۵۰۵۶	گنبد	۲	۶/۴۹۵۹	مینودشت
۳	۲/۷۹۷۰	رامیان	۳	۴/۸۸۲۴	گرگان
۴	۱/۸۳۰۴	علی‌آباد	۴	۲/۶۱۹۳	آزادشهر
۵	۱/۱۶۰۳	گرگان	۵	۲/۰۳۰۸	کردکوی
۶	۰/۸۷۲۱	آق قلا	۶	۱/۶۸۵۰	کمیشان
۷	۰/۰۷۲۲	گالیکش	۷	۰/۸۷۰۰	گالیکش
۸	-۰/۰۲۱۷	مراوه	۸	-۲/۰۸۵۸	مراوه
۹	-۳/۴۲۵۸	کلله	۹	-۲/۸۱۲۵	بندر ترکمن
۱۰	-۳/۶۰۴۹	بندر ترکمن	۱۰	-۲/۸۴۲۷	علی‌آباد
۱۱	-۳/۹۰۳۵	مینودشت	۱۱	-۳/۰۱۴۹	کلله
۱۲	-۴/۱۴۸۶	کمیشان	۱۲	-۶/۹۱۸۷	گنبد
۱۳	-۴/۵۵۰۲	کردکوی	۱۳	-۱۰/۲۵۶۰	رامیان
۱۴	-۵/۰۱۳۴	آزادشهر	۱۴	-۱۰/۵۳۱۱	آق قلا

همچنانکه ملاحظه می‌شود، جدول بالا رتبه بندی شهرستان‌ها بر حسب سرمایه‌ی اجتماعی و سطح توسعه یافتگی در سال ۱۳۹۰ را نمایش می‌دهد؛ بدین ترتیب سطح سرمایه اجتماعی شهرستان‌های بندرگز، مینودشت و گرگان در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند و شهرستان‌های گنبد، رامیان و آق‌قلا در پایین‌ترین رتبه جای گرفته‌اند. بر اساس سطح توسعه یافتگی نیز به ترتیب شهرستان‌های (بندرگز، گنبد، رامیان) و (کمیشان، کردکوی، آزادشهر) بیشترین و کمترین میزان سطوح توسعه یافتگی را به خود اختصاص داده‌اند.

جهت سنجش رابطه‌ی میان متغیر وابسته پژوهش (سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن) و متغیر مستقل سطح توسعه یافتگی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصل از محاسبات انجام شده به شرح جدول زیر است.

جدول شماره (۷): خلاصه‌ی شاخص‌های آماری ضریب همبستگی ۱۳۸۵-۱۳۹۰

سال	متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی و ابعاد آن)	متغیر مستقل	مقدار آزمون	سطح معنی داری
۱۳۸۵	سرمایه‌ی اجتماعی کل	سطح توسعه یافتگی	-۰/۴۳۸	۰/۱۰۳
۱۳۸۶	سرمایه‌ی اجتماعی کل	سطح توسعه یافتگی	۰/۲۱۹	۰/۴۳۵
۱۳۸۷	سرمایه‌ی اجتماعی کل	سطح توسعه یافتگی	-۰/۰۳۶	۰/۸۰۸
۱۳۸۸	سرمایه‌ی اجتماعی کل	سطح توسعه یافتگی	۰/۳۶۳	۰/۱۸۳
۱۳۸۹	سرمایه‌ی اجتماعی کل	سطح توسعه یافتگی	-۰/۰۲۱	۰/۹۴۲
۱۳۹۰	سرمایه‌ی اجتماعی کل	سطح توسعه یافتگی	-۰/۰۶۳	۰/۸۳۰
کلیه سال‌های ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۹۰	سرمایه‌ی اجتماعی کل	سطح توسعه یافتگی	-۰/۰۳۳	۰/۷۶۵

همچنان که ملاحظه می‌شود، جدول فوق رابطه‌ی سطح توسعه یافتگی را با سرمایه‌ی اجتماعی کلان نمایش می‌دهد. باتوجه به سطح معناداری (۰/۷۶۵) رابطه معناداری میان سطح توسعه یافتگی و سرمایه‌ی اجتماعی وجود ندارد. مقایسه سال‌های مختلف نشان می‌دهد که در برخی از سالها رابطه‌ی منفی و در برخی از سالها رابطه‌ی مثبت بین سرمایه‌ی اجتماعی و سطح توسعه یافتگی وجود دارد. به طوری که در سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ رابطه‌ی مثبت و در سال‌های دیگر رابطه‌ی منفی حاصل شده است. از آنجا که رابطه‌ی بین میانگین سرمایه‌ی اجتماعی کل با سطح توسعه یافتگی کلیه سال‌های مورد بررسی منفی حاصل شده است، می‌توان گفت که توسعه یافتگی موجب کاهش سرمایه‌ی اجتماعی می‌گردد.

نتیجه گیری

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی آثار فراوانی بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع دارد. لذا سرمایه‌گذاری لازم و برنامه‌ریزی شده برای تقویت سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند موجبات رشد همه جانبه را فراهم کند. اولین گام جهت برنامه‌ریزی جامع در این زمینه شناسایی سطح سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق مختلف است. علاوه بر این نه تنها چرایی تعامل متغیرها بلکه چگونگی تعامل متغیرها با سرمایه‌ی اجتماعی مورد اهمیت است. از این روی می‌بایست عواملی که به عنوان مولد توسعه عمل می‌کنند را شناسایی و تقویت نماییم. با این تفکر، منطقی‌ترین روش، مراجعه به خود افراد جامعه و روابط اجتماعی حاکم بر آنان است. بنابراین ابداع ابزار اندازه‌گیری توسعه و پیشرفت باید متناسب با این رویکرد باشد و سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین ابزار اندازه‌گیری توسعه می‌تواند به کار گرفته شود. در مطالعه حاضر رابطه سرمایه‌ی اجتماعی و وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های چهارده‌گانه استان گلستان مطالعه شده است. هدف از انجام این تحقیق علاوه بر سنجش و اندازه‌گیری میزان سرمایه‌ی اجتماعی در میان شهروندان شهرستان‌های استان گلستان، ارتباط یا تأثیرگذاری آن بر سطح توسعه یافتگی بوده است. سؤالاتی که با توجه به اهداف تحقیق حاضر تدوین شده‌اند به دنبال پاسخگویی به این نکته هستند که سرمایه‌ی اجتماعی چیست و ابعاد آن در سطح کلان کدامند؟ رتبه‌ی هر یک از شهرستان‌های استان گلستان بر حسب سرمایه‌ی اجتماعی و سطح توسعه یافتگی چگونه است؟ نوع رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کلان و ابعاد آن با سطح توسعه یافتگی چگونه است؟ در ارتباط با موضوع مورد بررسی تحقیقات بسیاری صورت پذیرفته که نتایج اکثریت این مطالعات گواه بر این مطلب است که در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های شهری باید به نقش و تأثیر عوامل اجتماعی توجه کرد. سرمایه‌ی اجتماعی نقشی اساسی در رشد و توسعه کشور (منطقه) ایفا می‌کند. در بیشتر پژوهش‌های انجام شده، مبنای کار در انتخاب چهارچوب نظری، آرای اندیشمندانی نظیر کلمن، بوردیو، فوکویاما و پاتنام بوده است. در تحقیق حاضر نیز

آرای اندیشمندان فوق الذکر مورد استفاده قرار گرفته است، لیکن چهارچوب نظری مورد نظر بر اساس آرا و نظریات رابرت پاتنام تدوین شده است. ابزار گردآوری داده‌های تحقیق، روش تحلیل ثانویه بوده است. بر این اساس داده‌های مورد نیاز از کتب، اسناد و مدارک سازمان‌های ذیربط جمع‌آوری و استخراج شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق، کلیه شهروندان شهرستان‌های چهارده‌گانه استان گلستان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ بوده‌اند. تعیین اعتبار تحقیق از طریق مراجعه به اساتید و صاحب نظران (اعتبار صوری) صورت پذیرفته است. توصیف و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss انجام شده است. بر این اساس شاخص‌هایی که مقیاس زندگی تشکیلاتی در گروه یا اجتماع را سنجیده‌اند در مجموع طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ مقادیر متفاوتی را نشان می‌دهند که گاه سیر صعودی و بعضاً سیر نزولی را منعکس می‌کنند. از لحاظ فعالیت باشگاه‌های ورزشی و اعضای آن، شاخص سیر نزولی را نمایش می‌دهد. بدین معنا که طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تعداد باشگاه‌های ورزشی کاهش یافته است. در مورد تعداد هیئت‌های مذهبی فعال استان، طی ۶ سال مورد بررسی در تحقیق حاضر، سیر نزولی مشاهده می‌شود. مؤسسات خیریه فعال در سطح استان نیز از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ گرایش به کاهش داشته است. تعداد شرکت‌های تعاونی و اعضای آن نیز از دیگر آیتم‌های مقیاس زندگی تشکیلاتی در گروه یا اجتماع هستند، که در طی سال‌های مورد بررسی سیر نزولی داشته‌اند. اما آخرین مورد این مقیاس، یعنی تعداد تشکل‌های مردمی مرتبط با فعالیت‌های معاونت پیشگیری بهزیستی با توجه به مقادیری که به دست آمد، آیتم مورد نظر سیر صعودی را طی کرده و نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است. نتایج مقیاس کار و کمک داوطلبانه به عنوان دومین بعد سرمایه اجتماعی با ۱۰ آیتم نیز ارائه شده است که سه آیتم نخست مرتبط با فعالیت‌های سازمان جوانان جمعیت هلال احمر استان بوده‌اند که به ترتیب شامل تعداد اعضا، تعداد امدادگران و تعداد داوطلبان جمعیت هلال احمر می‌شوند، که با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق سیر صعودی در طی ۶ سال اخیر را طی کرده‌اند. بدین معنا که تعداد اعضا، تعداد امدادگران و تعداد داوطلبان جمعیت هلال احمر در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ افزایش یافته است. وضعیت در مورد آیتم‌های دیگر نظیر، تعداد ایتم مورد حمایت، تعداد حامیان ایتم و سرانه‌ی وصولی از حامیان ایتم نیز اینگونه مشاهده می‌شود. بدین ترتیب با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، شاهد افزایش تعداد ایتم مورد حمایت و در مقابل آن، البته شاهد افزایش تعداد حامیان ایتم و سرانه‌های وصولی از حامیان ایتم بوده‌ایم. یکی دیگر از آیتم‌های مقیاس مورد بررسی، کمک‌های نقدی مردم به مجمع خیرین مدرسه ساز استان است. در تحقیق حاضر با توجه به نتایج حاصل می‌توان اینگونه بیان نمود که میزان کمک‌های نقدی مردم به مجمع خیرین مدرسه ساز طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ افزایش یافته است. اما در ارتباط با سه آیتم پایانی مقیاس، که شامل تعداد اهدا کنندگان خون جمعیت هلال احمر، سرانه کمک‌های نقدی مردمی و سرانه‌ی کمک‌های مردمی از طریق صندوق صدقات وضعیت آنچه

تاکنون در ارتباط با مقیاس مورد نظر به دست آمده، متفاوت بوده است. چرا که با توجه به نتایج حاصل، سیر نزولی را در موارد اخیر می‌توان نتیجه‌گیری نمود. در بخش تحلیل این مطالعه رابطه‌ی مثبت میان سرمایه‌ی اجتماعی و سطح توسعه یافتگی مورد تأیید قرار نگرفت. با این وجود برخی تفاوت‌ها از نظر میزان سرمایه‌ی اجتماعی در برخی مناطق قابل توجه بوده است. بر این اساس نتایج پژوهش نشان داد که رابطه‌ی بین دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی کلان و سطح توسعه یافتگی به لحاظ آماری معنادار نبوده است، لکن جهت رابطه‌ی گویای رابطه معکوس بین این دو متغیر می‌باشد به طوری که هر چه از مناطق کمتر توسعه یافته به سوی مناطق بیشتر توسعه یافته می‌رویم، میزان سرمایه‌ی اجتماعی کاهش می‌یابد.

منابع

۱. احمدی شاپورآبادی، محمد علی، (۱۳۸۶). بررسی سرمایه اجتماعی در ایران، نقش و جایگاه آن در فرآیند توسعه کشور، مجموعه خلاصه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران.
۲. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۴). جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات کیهان.
۳. اکبری، امین، (۱۳۸۳). بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی-اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۴. بوردیو، پیر، (۱۳۸۰). مرتضی مردیها، نظریه کنش، تهران، انتشارات نقش نگار.
۵. پاتنام، رابرت، (۱۳۷۷). محمد دلفروز، دموکراسی و سنت های مدنی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و وزارت کشور.
۶. تاجبخش، کیان، (۱۳۸۴). افشین خاکباز و حسن پویا، سرمایه اجتماعی، بی جا، نشر شیرازه.
۷. توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۴). سرمایه‌ی اجتماعی، ثروت نامرئی، بی‌جا، نشریه حیات نو اقتصادی.
۸. چلبی، مسعود و مبارکی، محمد، (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۲.
۹. خوش فر، غلامرضا، (۱۳۸۸). سنجش سرمایه اجتماعی در نقاط شهری استان گلستان، معاونت برنامه ریزی استانداری استان گلستان.
۱۰. رنانی، محسن، (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی شرط لازم برای توسعه، نشریه اندیشه صادق، شماره ۱۱۱.
۱۱. ساروخانی، باقر و امانی کلاریجانی، امرالله، (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، ابعاد، دیدگاه‌ها و شاخص‌ها، بی جا.
۱۲. موسایی، میثم و راعی صدقیانی، سعید، (۱۳۸۷). طرح یک نگرش نوین، بی جا.
۱۳. کلمن، جیمز، (۱۳۷۷). منوچهر صبوری، بنیادهای نظریه اجتماعی، تهران، نشر نی.
۱۴. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹). غلامعباس توسلی، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، بی جا، نشر جامعه ایرانیان.
۱۵. پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۹۰.
16. www.golestsnp.ir
17. Colman, J, (1998). Social Capital in the Creation of Human Capital, in E. L. Lesser (ed) Knowledge and social capital: Foundations and applications. Boston, Ma: Butterworth Heineman.
18. Colman, J, (1990). Foundations of social theory, Cambridge mass: Harvard university press.
19. Fukuyama, F, (1995). Trust: The social virtues and the creation of prosperity. New York, NY: Free Press.
20. Halpern, David, (2005). Social Capital, Polity Press, Cambridge, United Kingdom.
21. Hofferth, S, (1999). The development of Social Capital
22. Lin, Nan, (2001). Social Capital: A Theory of Social Structure and Action, Cambridge University press.
23. Putnam, R, (1995). Bowling Alone: Americas Declining Social Capital. Journal of Democracy.
24. Putnam, R, (2000). Bowling Alone: The collapse and revival of American community. New York: Simon & Schuster.